

July-August 2020, Volume 8, Issue 3

The Effectiveness of Feldman Multilevel Integrative Approach Training on Increase Marital Relationship Transparency and Decrease Divorce Tendency

Sara Moshtaghi¹, AliAsghar Asgharnejad Farid^{2*}, Ghodsi Ahghar³

1- PhD Student of Counseling, Department of Counseling, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2- Associate Professor, Department of Clinical Psychology, Faculty of Behavioral Sciences and Mental Health, Iran University of Medical Science, Tehran, Iran (**Corresponding Author**)

Email: asgharnejad.ali@gmail.com

3- Professor, Research Institute, Research and Educational Planning Organization, Tehran, Iran.

Received: 6 June 2020

Accepted: 21 July 2020

Abstract

Introduction: Divorce seeking couples have many problems in their marital relationships and one of the most effective methods to improve marital characteristics related life is Feldman multilevel integrative approach training method. Therefore, present research aimed to determine the effectiveness of Feldman multilevel integrative approach training on increase marital relationship transparency and decrease divorce tendency in divorce seeking couples.

Methods: Present study was a semi-experimental with a pretest and posttest design with control group. The research community was including couples seeking divorce of Alborz city referred to Hami Khanevadeh counseling center in 2019 year. The research sample was 20 couples with low scores in marital relationship transparency and high scores in divorce tendency were selected by available sampling method and were replaced by random assignment method in experimental and control groups. The experimental group participated in 8 sessions of 90 minutes of Feldman multilevel integrative approach training and the control group was placed on the waiting list for training. Data collected with the scales of marital relationship transparency (Saeedifard & et al, 2016) and divorce tendency (Rusbult & et al, 1986) in the pretest, posttest and two months follow-up phases and analyzed by repeated measures method.

Results: The findings showed that Feldman multilevel integrative approach training led to increase the marital relationship transparency and decrease the divorce tendency in divorce seeking couples and the stability of results was maintained after two months ($P < 0.05$).

Conclusions: Regarded to the results, planning to use the method of Feldman multilevel integrative approach training is necessary to increasing marital relationship transparency and decreasing divorce tendency in divorce seeking couples.

Keywords: Divorce Tendency, Feldman Integrative Approach, Marital Relationship Transparency.

اثربخشی آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن بر افزایش شفافیت ارتباط زناشویی و کاهش میل به طلاق

سارا مشتاقی^۱، علی اصغر اصغر نژاد فرید^{۲*}، قدسی احقر^۳

۱- دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- دانشیار، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

ایمیل: asgharnejad.ali@gmail.com

۳- استاد، پژوهشگاه مطالعات، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۷

چکیده

مقدمه: زوجین متقاضی طلاق دارای مشکلات فراوانی در روابط زناشویی خود هستند و یکی از روش‌های مؤثر در بهبود ویژگی‌های مرتبط با زندگی زناشویی، روش آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن بر افزایش شفافیت ارتباط زناشویی و کاهش میل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش متشکل از کلیه زوج‌های متقاضی طلاق استان البرز بودند که به مرکز مشاوره حامی خانواده در سال ۱۳۹۸ ارجاع داده شدند. نمونه پژوهش ۲۰ زوج دارای نمره پایین در شفافیت ارتباط زناشویی و نمره بالا در میل به طلاق بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و با روش گمارش تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. گروه آزمایش در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن شرکت نمود و گروه کنترل در لیست انتظار برای آموزش قرار گرفت. داده‌ها با مقیاس‌های شفافیت ارتباط زناشویی (سعیدی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۵) و میل به طلاق (رازبالت و همکاران، ۱۹۸۶) در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری دو ماهه جمع‌آوری و با روش اندازه‌گیری مکرر تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن باعث افزایش شفافیت ارتباط زناشویی و کاهش میل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق شد و پایداری نتایج پس از دو ماه حفظ شد ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: با توجه نتایج، برنامه‌ریزی برای استفاده از روش آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن برای افزایش شفافیت ارتباط زناشویی و کاهش میل به طلاق در زوج‌های متقاضی طلاق ضروری است.

کلیدواژه‌ها: رویکرد یکپارچه فلدمن، شفافیت ارتباط زناشویی، میل به طلاق.

مقدمه

آمار رسمی منتشرشده کشور ایران نسبت ازدواج به طلاق حدود ۳/۴ است؛ یعنی به ازای هر ۳/۴ ازدواج یک طلاق رخ می‌دهد که این نسبت در پنج سال اول زندگی ۴۷/۲ درصد است [۳]. در سال‌های اخیر تعارض‌های زناشویی به طور فزاینده‌ای افزایش یافته [۴] و این تعارض‌ها که زمینه طلاق را ایجاد می‌کنند دارای علت‌های متفاوتی از جمله افسردگی، بدرفتاری، مشکلات اقتصادی، اعتیاد، تفاوت‌های فرهنگی و غیره هستند [۵]. ازدواج یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌های دوران بزرگسالی برای تأمین

ایران چهارمین کشور پر طلاق دنیاست و آمار بالای طلاق حاکی از نارضایتی از روابط زناشویی و نوعی گسستگی عاطفی بین زوجین است که آسیب‌های فراوانی برای زوجین در پی دارد [۱]. طلاق رویدادی پیچیده است که پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت مالی، قانونی، فردی و اجتماعی بسیاری برای زوجین دارد. آمار طلاق از ۷/۸۹ درصد سال ۱۳۷۵ به ۲۵/۳ در سال ۱۳۹۵ رسیده [۲]. در جوامع غربی حدود نیمی از ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شوند و برابر

است [۱۹]. در رویکرد یکپارچه چندسطحی عقیده بر این است که مشکلات زوجین نتیجه تعامل همزمان فرایندهای ارتباطی میان فردی و درون فردی است که به صورت ناقص یا بد درک شده باشد [۲۰]. این رویکرد چندسطحی، فرایندهای میان فردی و درون فردی را با ترکیب نظریه‌های روان‌پوشی شناختی، رفتاری و سیستمی خانواده برای بهبود مشکلات ارتباطی زوجین و افزایش خودآگاهی آنان ارائه می‌دهد [۲۱].

درباره اثربخشی رویکرد یکپارچه چندسطحی پژوهش‌های اندکی انجام شده است. برای مثال نتایج پژوهش Scheinkman (۲۰۰۸) نشان داد که رویکرد چندسطحی فلدمن نقش مؤثری در پویایی روابط زوجین و ویژگی‌های مرتبط با روابط زناشویی دارد [۱۹]. Ballard و همکاران (۲۰۱۹) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که رویکرد یکپارچه چندسطحی باعث بهبود روابط زناشویی می‌شود [۲۰]. همچنین، نتایج پژوهش باباخانی و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که آموزش رویکرد یکپارچه فلدمن باعث افزایش ذهن‌آگاهی و کاهش تعارضات زناشویی زوجین دارای اختلاف زناشویی شد و این نتایج در مرحله پیگیری نیز باقی ماند [۲۲]. ایدلخانی و همکاران (۱۳۹۷) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که آموزش چندسطحی فلدمن باعث افزایش صمیمیت جنسی زنان دچار دلزدگی زناشویی شد [۲۳]. در پژوهشی دیگر، ایدلخانی و همکاران (۱۳۹۸) گزارش کردند که آموزش روش چندسطحی فلدمن باعث افزایش کیفیت زندگی زناشویی زنان دچار دلزدگی زناشویی شد [۲۴]. چرایبی و همکاران (۱۳۹۸) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که آموزش یکپارچه‌نگر فلدمن باعث افزایش صمیمیت زناشویی زوجین متعارض شد [۲۵].

ایران چهارمین کشور دنیا است که آمار طلاق در آن بالا است [۱]. با توجه به آمار بالا و روزافزون طلاق و مشکلات زناشویی است و زوجین پس از طلاق با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند، از این رو باید به دنبال راهکارهایی برای کاهش طلاق از طریق بهبود روابط زوجین بود. همچنین، یکی از رویکردهای جدید برای بهبود وضعیت زندگی زوجین، آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن است. درباره اثربخشی این رویکرد که هدف بهبود روابط میان فردی و درون فردی است پژوهش‌های اندکی انجام شده و به نظر می‌رسد که این رویکرد بتواند در بهبود ویژگی‌های زندگی زناشویی از جمله افزایش شفافیت ارتباط زناشویی و کاهش

نیازهای روانی، عاطفی، جنسی و امنیتی است [۶] که نقش مهمی در ادراک مثبت از سلامت و کیفیت زندگی دارد و باعث ایجاد رابطه‌ای صمیمانه بین دو نفر می‌شود [۷]. آمار بالای طلاق نشان‌دهنده رضایت از زندگی زناشویی پایین است [۸] و طلاق باعث افزایش استرس و افسردگی، افت بهداشت روانی، کاهش کیفیت زندگی، افزایش تنش‌های روانی و کاهش کارایی سیستم ایمنی بدن می‌شود [۹].

تعارض‌های زناشویی امری اجتناب‌ناپذیر است [۱۰] و طلاق نتیجه آشفتگی و اختلال در روابط زناشویی است [۱۱]. کیفیت تعامل و روابط زناشویی پیش‌بینی‌کننده مهمی برای آشفتگی زناشویی و میل به طلاق است و زوجین دارای میل به طلاق بیشتر هیجان‌های منفی و کمتر هیجان‌های مثبت را تجربه می‌کنند و غالباً از مهارت‌های ارتباطی ضعیفی برخوردارند [۱۲]. میل به طلاق به معنای میزان تمایل و علاقه‌مندی زوجین به جداسدن و گسستن روابط زناشویی است [۱۳]. میل به طلاق دارای سه بعد شناختی (تصورات افراد درباره طلاق)، عاطفی (احساس‌ها و عاطفه‌های مثبت و منفی درباره طلاق) و رفتاری (انجام اعمال و رفتارهایی برای انجام یا عدم انجام طلاق) است [۱۴]. یکی دیگر از عواملی که نقش مهمی در تعارض‌های زناشویی دارد، کاهش شفافیت ارتباط زناشویی است [۱۵]. شفافیت یعنی صحبت و گفتگوی روشن، واضح، بدون پرده و بی‌کنایه و همراه با توجه و احترام و شفافیت ارتباط زناشویی یعنی بیان روشن، واضح، بدون پرده و بی‌کنایه نیازها، خواسته‌ها و تمایلات در زندگی زناشویی که این امر نقش مهمی در حفظ تعادل خانوادگی و سازگاری زناشویی دارد [۱۶]. شفافیت در ارتباط زناشویی یکی از اجزای مهارت‌های ارتباطی است که به دوام ازدواج و سازگاری زناشویی کمک می‌کند و زوج‌های سازگار و انعطاف‌پذیر غالباً شفافیت بیشتر و ابهام کمتری در ارتباط زناشویی دارند [۱۷].

آمار بالای تعارض‌های زناشویی، ناسازگاری زناشویی، طلاق عاطفی و رسمی، الگوهای تعاملی ناکارآمد بین زوجین و تقاضای زوجین برای بهبود روابط زناشویی باعث ایجاد رویکردهای جدیدی برای بهبود روابط زوجین شده است [۱۸]. آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن یکی از این رویکردهای جدید است که برخلاف رویکردهای گذشته با تلاش موفق و هوشمندانه‌ای در زمینه یکپارچه‌کردن مفاهیم، فنون و روش‌های سنتی خانواده‌درمانی به پیشرفتی امیدوارانه در درمان و آموزش به زوجین و خانواده رسیده

سارامشتاقی و همکاران

۹۰ دقیقه‌ای (هفته‌ای یک جلسه) تحت آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن قرار گرفت و گروه کنترل تا پایان آموزش به گروه آزمایش هیچ‌گونه آموزشی دریافت نکرد و در لیست انتظار برای آموزش قرار گرفت. گروه‌ها در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری دو ماهه علاوه بر فرم جمعیت‌شناختی به مقیاس‌های شفافیت ارتباط زناشویی و میل به طلاق پاسخ دادند.

مقیاس شفافیت ارتباط زناشویی، این مقیاس توسط سعیدی‌فرد و همکاران (۱۳۹۵) با ۱۱۶ گویه طراحی شد. گویه‌ها با استفاده از طیف پنج درجه‌ای لیکرت از یک تا پنج نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات بین ۱۱۶ تا ۵۸۰ و نمره بالاتر نشان‌دهنده شفافیت ارتباط زناشویی بیشتر است. روایی سازه مقیاس را با روش تحلیل عاملی تاییدی، تایید و نتایج نشان داد که ابزار دارای ده عامل بود و پایایی آن با روش همبستگی درونی از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای مردان ۰/۸۹، زنان ۰/۸۵ و کل ۰/۸۷ و پایایی آن را با روش بازآزمایی ده روزه ۰/۸۶ گزارش شد [۱۷]. در مطالعه حاضر مقدار پایایی با روش همبستگی درونی از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ بدست آمد.

مقیاس میل به طلاق، این مقیاس توسط رازبالت، جانسون و مارو (۱۹۸۶) با ۲۸ گویه طراحی شد. گویه‌ها با استفاده از طیف هفت درجه‌ای لیکرت از یک تا هفت نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات بین ۲۸ تا ۱۹۶ و نمره بالاتر نشان‌دهنده میل بیشتر به طلاق است. روایی سازه مقیاس را با روش تحلیل عاملی تایید و پایایی آن را با روش همبستگی درونی از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ گزارش شد [۲۷]. در پژوهش نظری و همکاران (۱۳۹۴) پایایی با روش همبستگی درونی از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ محاسبه شد [۱۴]. داوودی و همکاران (۱۳۹۰) روایی محتوایی ابزار را توسط پنج متخصص روانشناس و مشاور تایید و پایایی آن را با روش همبستگی درونی از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای زنان ۰/۸۹ و برای مردان ۰/۸۷ و برای کل نمونه ۰/۸۸ گزارش کرد [۲۸]. در مطالعه حاضر مقدار پایایی با روش همبستگی درونی از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ بدست آمد. محتوی آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی توسط لاری و فلدمن [۲۹] طراحی و توسط ایدلخانی و همکاران [۲۳] ترجمه و مورد استفاده قرار گرفته است (جدول ۱).

میل به طلاق موثر واقع شود. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن بر افزایش شفافیت ارتباط زناشویی و کاهش میل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق انجام شد.

روش کار

مطالعه حاضر شبه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش متشکل از کلیه زوج‌های متقاضی طلاق استان البرز بودند که به مرکز مشاوره حامی خانواده در سال ۱۳۹۸ ارجاع داده شدند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول زیر استفاده شد.

$$n = \frac{2\sigma^2(z_{1-\frac{\alpha}{2}} + z_{1-\beta})^2}{d^2} = \frac{2(1/90)^2(1/96 + 1/28)^2}{4/507} = 16/82$$

در این معادله بر اساس پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۹۵) [۲۶] $\alpha = 1/90$ و همچنین مقادیر $d = 4/507$ ، $\text{Power} = 0/90$ و $\alpha = 0/95$ در نظر گرفته شد که بر اساس آن حجم نمونه برای هر گروه ۱۶/۸۲ نفر برآورد شد که برای اطمینان از حجم نمونه، حجم نمونه برای هر گروه ۲۰ نفر در نظر گرفته شد. بنابراین، نمونه پژوهش ۲۰ زوج بودند که شرایط ورود به مطالعه را داشتند و نمرات آنان در شفافیت ارتباط زناشویی پایین و در میل به طلاق بالا بود. این نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و با گمارش تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. شرایط ورود به مطالعه شامل حداقل تحصیلات دیپلم به دلیل تأثیر تحصیلات بر یادگیری و استفاده از رویکرد درمانی، نداشتن اختلال‌های روان‌شناختی و عدم مصرف داروهای روان‌پزشکی مثل ضد اضطراب، ضد افسردگی و غیره، مدت ازدواج ۲ تا ۱۰ سال و عدم دریافت خدمات مشاوره‌ای از مراکز و کلینیک‌های دیگر و ملاک‌های خروج از مطالعه شامل انصراف از ادامه همکاری و غیبت دو جلسه و بیشتر از آن بود. پس از کسب مجوزهای لازم از دادگستری استان البرز، اداره بهزیستی کل استان البرز، اداره بهزیستی شهر کرج و هماهنگی با مسئولان مرکز مشاوره حامی خانواده، پژوهشگر از میان زوجینی که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند، تعداد ۲۰ زوج را پس از بیان رعایت نکات اخلاقی در پژوهش به‌عنوان نمونه انتخاب کرد. گروه آزمایش ۸ جلسه

جدول ۱: عنوان و شرح جلسه‌های آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن

جلسه ها	عنوان	شرح جلسه
اول	آشنایی و بیان هدف	آشنایی اعضا با مدرس و یکدیگر؛ برقراری رابطه حسنه و ایجاد جو همراه با اعتماد و امنیت، همکاری و صمیمیت؛ تشریح اهمیت موضوع برای اعضا، اهداف برگزاری جلسات و آشنایی با مقررات گروه؛ آشنایی با چارچوب آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن و عقد قرارداد و ایجاد تعهد جهت همکاری و شرکت منظم در جلسات
دوم	استفاده از روان‌پویشی برای اضطراب زوجین	تعریف اضطراب و انواع آن؛ بررسی و شناسایی عوامل مؤثر در ایجاد اضطراب؛ آشنایی با مسیرهای آشکارشدن اضطراب؛ آشنایی با تمرین‌هایی در جهت کاهش اضطراب و تمرین در جلسه
سوم	اضطراب و خطاهای شناختی	آشنایی با نقش باورها و انتظارات غیرواقع‌بینانه در زندگی زناشویی؛ آشنایی با انواع خطاهای شناختی و تأثیر آن بر احساس‌ها و رفتارها؛ آشنایی با انتظارات متقابل و توجه به ویژگی‌های مثبت یکدیگر؛ یادگیری تشخیص مشکلات اضطرابی و غلبه بر آنها از طریق راهبردهای مقابله‌ای شناختی و تمرین در جلسه
چهارم	حمایت متقابل	پیگیری کلامی روش‌هایی که مشکل اضطراب را در طول زمان تغییر دادند؛ یادگیری تشخیص مشکلات اضطرابی و فائق آمدن بر آنها از طریق راهبردهای مقابله‌ای شناختی و تمرین در جلسه
پنجم	ارتباط و قدرت	آشنایی با انواع شیوه‌های ارتباطی و پاسخ‌ها و سبک‌های مقابله‌ای میان زوجین؛ بررسی و کشف الگوهای تعاملی خانواده، فرضیه‌سازی در مورد سلسله‌مراتب و نحوه توزیع قدرت در خانواده و تمرین در جلسه
ششم	ارتباط و ادراک	استحکام‌بخشیدن مرزهای عملکردی و از بین بردن مرزهای غیرعملکردی سیستم و زیرسیستم خانواده؛ بررسی مثلث‌های موجود حول مشکلات خانواده؛ بررسی میزان ارتباط هر یک از زوجین با خویشان خود و متعادل‌سازی روابط با خویشاوندان و دوستان مشترک و تمرین در جلسه
هفتم	ارتباط و صمیمیت	بررسی هدف و اهمیت رابطه جنسی و نقش آن در صمیمیت زوجین؛ آشنایی با تفاوت تمایلات جنسی زن و مرد؛ آشنایی با انواع ارتباط در رابطه جنسی و اهمیت آن؛ آشنایی با شیوه‌های انتقال اطلاعات درباره رابطه جنسی به همسر؛ آگاهی از نقش همدلی و تفاهم جنسی در همسران و تمرین در جلسه
هشتم	اختتام	بررسی میزان کارایی و اثربخشی آموزش‌ها، شناسایی موانع اجرایی آموزش‌ها؛ خلاصه و جمع‌بندی آموزش‌ها و ارائه راهکارها و توصیه‌هایی کلی برای همه زوجین

یافته‌ها

در مطالعه حاضر ۲۰ زوج شرکت داشتند. فراوانی و درصد ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مدت ازدواج، تعداد فرزندان، اشتغال و وضعیت مالی زوجین متقاضی طلاق گروه‌های آزمایش و کنترل در (جدول ۲) گزارش شده است.

مداخله توسط یک متخصص مشاوره هفته‌ای یک جلسه به‌صورت گروهی انجام و در پایان هر جلسه، تکلیفی مرتبط به زوجین داده و ابتدای جلسه بعد، ضمن مرور آنها به آنان بازخورد سازنده داده شد. داده‌ها پس از جمع‌آوری با روش اندازه‌گیری مکرر در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ تحلیل شدند.

جدول ۲: فراوانی و درصد ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زوجین متقاضی طلاق گروه‌های آزمایش و کنترل

متغیرها	سطوح	گروه آزمایش	گروه کنترل
مدت ازدواج	۲-۴ سال	۱۰	۶۰
	۵-۷ سال	۴	۲۰
	۸-۱۰ سال	۶	۲۰
تعداد فرزند	بدون فرزند	۱۲	۶۰
	۱ فرزند	۶	۴۰
	۲ فرزند	۰	۱۰
	۳ فرزند	۲	۰
اشتغال	شاغل	۱۳	۵۰
	بیکار	۷	۵۰
وضعیت مالی	خوب	۲	۲۰
	متوسط	۱۲	۵۰
	ضعیف	۶	۳۰

سارامشتاقی و همکاران

میل به طلاق زوجین متقاضی طلاق گروه‌های آزمایش و کنترل در (جدول ۳) گزارش شده است.

در (جدول ۲) فراوانی و درصد مدت ازدواج، تعداد فرزند، اشتغال و وضعیت مالی گروه‌های آزمایش و کنترل قابل مشاهده است. میانگین و انحراف معیار شفافیت ارتباط زناشویی و

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار شفافیت ارتباط زناشویی و میل به طلاق زوجین متقاضی طلاق گروه‌های آزمایش و کنترل

متغیرها	مراحل	گروه آزمایش	گروه کنترل
شفافیت ارتباط زناشویی	پیش‌آزمون	۲۵۹/۴۵	۳۰/۵۶
	پس‌آزمون	۲۷۵/۹۰	۲۵۰/۸۰
	پیگیری	۲۷۴/۰۰	۲۵۱/۵۶
میل به طلاق	پیش‌آزمون	۱۶۵/۴۰	۱۳/۸۸
	پس‌آزمون	۱۳۱/۵۵	۷/۵۱
	پیگیری	۱۲۹/۴۰	۷/۳۹

همچنین، نتایج اثرهای درون‌گروهی و تعاملی در آزمون‌های چندمتغیری معنادار است ($P < 0.05$)، لذا هم بین مراحل اندازه‌گیری و هم بین گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل اندازه‌گیری مکرر برای بررسی اثربخشی آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن بر افزایش شفافیت ارتباط زناشویی و کاهش میل به طلاق زوجین متقاضی طلاق در (جدول ۴) گزارش شده است.

در (جدول ۳) میانگین و انحراف معیار شفافیت ارتباط زناشویی و میل به طلاق گروه‌های آزمایش و کنترل قابل مشاهده است. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نشان داد که فرض نرمال بودن متغیرهای وابسته در مراحل ارزیابی برای هر دو گروه، نتایج آزمون لوین حاکی از برقراری فرض برابری واریانس‌ها و نتایج آزمون کرویت موخلی نشان داد که فرض برابری کوواریانس‌ها برقرار است ($P > 0.05$).

جدول ۴: نتایج تحلیل اندازه‌گیری مکرر اثربخشی آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن بر افزایش شفافیت ارتباط زناشویی و کاهش میل به طلاق زوجین متقاضی طلاق

متغیرها	منبع اثر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	P-value	اندازه اثر	توان آماری
شفافیت ارتباط زناشویی	گروه	۷۷۶/۳۰	۱	۷۷۶/۳۰	۲/۴۱	۰/۰۲۹	۰/۳۳	۰/۶۳
	زمان	۲۰۶۰/۴۵	۱	۲۰۶۰/۴۵	۲۵/۷۷	۰/۰۰۱	۰/۴۰	۱/۰۰
	گروه*زمان	۲۵۹۹/۲۰	۱	۲۵۹۹/۲۰	۳۲/۵۱	۰/۰۰۱	۰/۴۶	۱/۰۰
میل به طلاق	گروه	۲۰۴۶۲/۴۱	۱	۲۰۴۶۲/۴۱	۴۰/۰۸	۰/۰۰۱	۰/۵۱	۱/۰۰
	زمان	۷۶۰۵/۰۰	۱	۷۶۰۵/۰۰	۹۳/۸۳	۰/۰۰۱	۰/۷۱	۱/۰۰
	گروه*زمان	۹۶۰۵/۱۸	۱	۹۶۰۵/۱۸	۱۰۷/۹۱	۰/۰۰۱	۰/۷۶	۱/۰۰

درصد و در بخش تعاملی ۷۶ درصد تغییرات ناشی از روش آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن است ($P < 0.05$). نتایج آزمون تعقیبی بنفرونی برای مقایسه شفافیت ارتباط زناشویی و میل به طلاق زوجین متقاضی طلاق در مراحل ارزیابی در (جدول ۵) گزارش شده است.

همان‌طور که (جدول ۴) نشان می‌دهد، اثر گروه، زمان و تعامل گروه و زمان معنادار است، لذا با توجه به اندازه اثر می‌توان گفت که در متغیر شفافیت ارتباط زناشویی در بخش بین‌گروهی ۳۳ درصد، در بخش درون‌گروهی ۴۰ درصد و در بخش تعاملی ۴۶ درصد و در متغیر میل به طلاق در بخش بین‌گروهی ۵۱ درصد، در بخش درون‌گروهی ۷۱

جدول ۵: نتایج آزمون تعقیبی بنفرونی برای مقایسه شفافیت ارتباط زناشویی و میل به طلاق زوجین متقاضی طلاق در مراحل ارزیابی

متغیرها	مراحل ارزیابی	اختلاف میانگین‌ها	خطای استاندارد	P-value
شفافیت ارتباط زناشویی	پیش‌آزمون	-۱۱/۰۰	۲/۱۵	۰/۰۰۱
	پس‌آزمون	-۱۰/۱۵	۱/۹۹	۰/۰۰۱
میل به طلاق	پیش‌آزمون	۰/۸۵	۰/۷۱	۰/۷۱۸
	پس‌آزمون	۱۸/۶۰	۱/۹۶	۰/۰۰۱
	پیش‌آزمون	۱۹/۵۰	۲/۰۱	۰/۰۰۱
	پس‌آزمون	۰/۹۰	۰/۷۲	۰/۶۵۶

و درون‌فردی را با ترکیب نظریه‌های روان‌پوشی شناختی، رفتاری و سیستمی خانواده برای بهبود مشکلات ارتباطی زوجین و افزایش خودآگاهی آنان ارائه می‌دهد [۲۱]. علاوه بر آن، زوجین متقاضی طلاق از گفتگو در رابطه با مسائل خودشان اجتناب می‌کنند و طراحواره‌ها و باورهای نامناسبی درباره یکدیگر در ذهن می‌سازند و رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن با اصلاح باورهای غیرمنطقی و طرحواره‌های ناسازگار و تبدیل آن به باورهای منطقی و طرحواره‌های سازگار اطمینان‌بخش باعث درک احساسات زوجین از یکدیگر شده و کیفیت روابط زناشویی را بهبود می‌بخشد [۲۳]. در نتیجه، رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن از طریق افزایش ارتباط مثبت زوجین، اصلاح باورها، برداشت‌ها و طرحواره‌های نامناسب، رفع سوءتفاهم‌ها در زندگی زوجین، کاهش رنج و خشم در زندگی زناشویی، توجه به رفتارهای مثبت و سازنده زوجین و خودافشایی خود برای همسر باعث افزایش شفافیت ارتباط زناشویی می‌شود. همچنین، یافته‌ها نشان داد که آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن باعث کاهش میل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق شد و نتایج آموزش در مرحله پیگیری نیز حفظ شد. با اینکه پژوهشی اثر این رویکرد را بر میل به طلاق بررسی نکرده، اما این یافته از جهاتی با یافته پژوهش‌های Ballard و همکاران [۲۰]، باباخانی و همکاران [۲۲] و ایدلخانی و همکاران [۲۴] همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که زوجین دچار تعارض زناشویی (همانند زوجین متقاضی طلاق) از گفتگو درباره مسائل اجتناب می‌کنند، یکدیگر را در تصمیم‌گیری‌ها دخیل نمی‌کنند و هر یک نسبت به شایستگی‌ها و توانایی‌های یکدیگر دچار تردید شده و برای تصمیمات مشترک ارزش قائل نمی‌شود و این حالات به تدریج منجر به کاهش اعتماد به خود و

همان‌طور که (جدول ۵) نشان می‌دهد، در هر دو متغیر شفافیت ارتباط زناشویی و میل به طلاق اختلاف میانگین پیش‌آزمون با پس‌آزمون و پیگیری معنادار است ($P < 0/001$)، اما اختلاف میانگین پس‌آزمون و پیگیری معنادار نیست ($P > 0/05$). به عبارت دیگر، روش آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن در مرحله پس‌آزمون باعث افزایش شفافیت ارتباط زناشویی و کاهش میل به طلاق در زوج‌های متقاضی طلاق شده و نتایج آموزش در مرحله پیگیری نیز باقی ماند.

بحث

یافته‌ها نشان داد که آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن باعث افزایش شفافیت ارتباط زناشویی در زوجین متقاضی طلاق شد و نتایج آموزش در مرحله پیگیری نیز باقی ماند. با اینکه پژوهشی اثر این رویکرد را بر شفافیت ارتباط زناشویی بررسی نکرده، اما این یافته از جهاتی با یافته پژوهش‌های Scheinkman [۱۹]، Ballard و همکاران [۲۰]، ایدلخانی و همکاران [۲۳]، ایدلخانی و همکاران [۲۴] و چرابی و همکاران [۲۵] همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که در زوجین دارای پریشانی زناشویی (از جمله متقاضی طلاق) معمولاً آشفتگی‌های هیجانی و تعامل‌های منفی زیادی دیده می‌شود و در رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن تکنیک‌ها و راهبردهایی با ساختار و مستقیم وجود دارد که به افراد کمک می‌کند تا آشفتگی‌های هیجانی کمتری را تجربه کنند و از شدت تعامل‌های منفی آنها کاسته شود [۲۳]. همچنین، استفاده از تکنیک‌های رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن می‌تواند باعث حل تعارض و افزایش ارتباط بین زوجین شده و محیط بین‌فردی مثبتی را بوجود آورد. این رویکرد چندسطحی، فرایندهای میان‌فردی

نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن بر افزایش شفافیت ارتباط زناشویی و کاهش میل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق موثر بود و و پایداری نتایج پس از دو ماه حفظ شد. این رویکرد آموزشی است که از طریق یکپارچه‌کردن مفاهیم، فنون و روش‌های سنتی خانواده درمانی توانسته در کاهش مشکلات ارتباطی و افزایش خودآگاهی زوجین و اعضای خانواده به پیشرفتی امیدوارانه برسد. بنابراین، توصیه می‌شود سازمان‌هایی نظیر بهزیستی و دادگستری مراکز مشاوره‌هایی که مراجعان خود را به آنها ارجاع می‌دهند ملزم به شرکت در کارگاه آموزش مهارت‌های ارتباط صمیمانه کنند تا آنان در مواجهه با مراجعان از این روش بهره ببرند. پیشنهاد کاربردی دیگر اینکه درمانگران و متخصصان حوزه سلامت خانواده از رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن برای بهبود زندگی زوج‌های متقاضی طلاق به‌ویژه افزایش شفافیت ارتباط زناشویی و کاهش میل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق استفاده کنند.

سیاسگزاری

این مقاله حاصل رساله دکتری مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات با کد اخلاق IR.IAUTehran. REC.1398.47 است و بدین وسیله نویسندگان تشکر و قدردانی خود را از مسئولان دادگستری استان البرز، اداره بهزیستی کل استان البرز، اداره بهزیستی شهر کرج، مرکز مشاوره حامی خانواده و زوجین شرکت‌کننده در پژوهش اعلام می‌نمایند.

تضاد منافع

هیچ تضاد منافی بین نویسندگان این مقاله وجود ندارد.

طرف مقابل و در نتیجه ایجاد اضطراب می‌شود. اضطراب باعث افزایش استفاده از راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار و اجتنابی و کاهش استفاده از راهبردهای مقابله‌ای مساله‌مدار می‌شود، لذا نه تنها مشکلات زوجین متقاضی طلاق حل نمی‌شود، بلکه مشکلات آنان چندبرابر می‌گردد [۲۲]. رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن با استفاده از روان‌پویایی میزان اضطراب و خطاهای شناختی زوجین را کاهش و به آنان راهبردهای مقابله‌ای مناسب را آموزش می‌دهد. علاوه بر آن، این رویکرد با آموزش مفاهیم ارتباط و قدرت، ارتباط و ادراک و ارتباط و صمیمیت از طریق آموزش راهکارهایی چون استفاده از شیوه‌های ارتباطی مناسب، بهبود الگوهای تعاملی خانواده، استحکام مرزهای عملکردی، متعادل‌سازی روابط با خویشاوندان و دوستان، استفاده از رابطه جنسی برای صمیمیت، آموزش همدلی و ارتقای تفاهم جنسی روابط زوجین را بهبود می‌بخشد [۲۹]. بنابراین، آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن از طریق فرایندهای توضیح داده شده باعث ابتدا باعث حل تعارض‌ها، بهبود روابط و افزایش صمیمیت و در نهایت باعث کاهش میل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق می‌شود.

مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش شامل محدود شدن جامعه پژوهش به زوج‌های متقاضی طلاق استان البرز ارجاع داده شده به مرکز مشاوره حامی خانواده، استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و استفاده از ابزارهای خودگزارشی برای جمع‌آوری داده‌ها بود. بر اساس محدودیت‌ها، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی زوج‌های متقاضی طلاق سایر شهرها و حتی بررسی سایر گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله همسران دچار خیانت زناشویی و روابط فزاینده‌ی مورد پژوهش قرار گیرند. پیشنهاد دیگر مقایسه اثربخشی روش آموزش رویکرد یکپارچه چندسطحی فلدمن با سایر روش‌های درمانی از جمله درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد، درمان مبتنی بر شفقت و غیره است.

References

1. Mohannaee S, Poladei Rayshahri A, Golestaneh S, Keykhosrovani M. Effectiveness of couple therapy by Hendrix imago therapy method on improving communication patterns and reducing emotional divorce. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*. 2019;7(1):58-65. DOI: 10.21859/ijpn-07018 (Persian)
2. Qorbani-Vanajemi M, Ejei J, Gholamali-

- Lavasani M. Effectiveness of attributional retraining on mental health of male middle school students with divorced parents. *Knowledge & Research in Applied Psychology*. 2019;20(1):26-34. (Persian)
3. Poursardar F, Sadeghi M, Goodarzi C, Roozbehani M. Integrative treatments, and couple therapy: Comparison of the effectiveness of integrative approaches, therapy emotionally

- focused couple therapy and therapy integrative behavioral couple therapy on forgiveness in couples with marital conflict. *Family Counseling and Psychotherapy*. 2019;2:69-96. (Persian)
4. Durgut S, Kisa S. Predictors of marital adjustment among child brides. *Arch Psychiatr Nurs*. 2018;32(5):670-6. <https://doi.org/10.1016/j.apnu.2018.03.006> PMID:30201194
 5. Farrelly KN, Sherry SB, Kehayes I, Stewart SH. Female informant-reports of male romantic partners' alcohol problems predict escalations in dyadic conflict in heterosexual couples. *Addict Behav*. 2019;92:102-7. <https://doi.org/10.1016/j.addbeh.2018.12.034> PMID:30599382
 6. Drozdowskyj ES, Castro EG, Lopez ET, Taland IB, Actis CC. Factors influencing couples' sexuality in the puerperium: A systematic review. *Sex Med Rev*. 2020;8(1):38-47. <https://doi.org/10.1016/j.sxmr.2019.07.002> PMID:31447412
 7. Lindstrom M, Rosvall M. Marital status and 5-year mortality: A population-based prospective cohort study. *Public Health*. 2019;170:45-8. DOI: 10.1016/j.puhe.2019.02.015 PMID: 30928612 <https://doi.org/10.1016/j.puhe.2019.02.015> PMID:30928612
 8. DeLongis A, Zwicker A. Marital satisfaction, and divorce in couples in stepfamilies. *Curr Opin Psychol*. 2017;13:158-161. DOI: 10.1016/j.copsyc.2016.11.003 PMID: 28813287 <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.11.003> PMID:28813287
 9. Schaan VK, Schulz A, Schachinger H, Vogele C. Parental divorce is associated with an increased risk to develop mental disorders in women. *J Affect Disord*. 2019;257:91-9. DOI: 10.1016/j.jad.2019.06.071 PMID: 31299409 <https://doi.org/10.1016/j.jad.2019.06.071> PMID:31299409
 10. Ozguc S, Tanriverdi D. Relations between depression level and conflict resolution styles, marital adjustments of patients with major depression and their spouses. *Arch Psychiatr Nurs*. 2018;32(3):337-42. <https://doi.org/10.1016/j.apnu.2017.11.022> PMID:29784211
 11. Zheng S, Duan Y, Ward MR. The effect of broadband internet on divorce in China. *Technological Forecasting and Social Change*. 2019;139:99-114. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2018.07.038>
 12. Hatemi PK, McDermott R, Eaves L. Genetic and environmental contributions to relationships and divorce attitudes. *Personality and Individual Differences* 2015;72:135-40. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2014.08.032> PMID:25419026 PMID:PMC4235137
 13. Auersperg F, Vlasak T, Ponocny I, Barth A. Long-term effects of parental divorce on mental health-A meta-analysis. *J Psychiat Res*. 2019;119:107-15. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2019.09.011> PMID:31622869
 14. Nazari A, Rasouli M, Davarniya R, Hosseini A, Babaei Gharmkhani M. Effectiveness of solution-focused brief therapy (SFBT) on couple burnout and divorce tendency in married women. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*. 2015;3(3):41-52. (Persian)
 15. Roelofs P. Transparency and mistrust: Who or what should be made transparent? *Governance*. 2019;32(3):565-80. <https://doi.org/10.1111/gove.12402>
 16. Hood C. Accountability and transparency: Siamese twins, matching parts, awkward couple? *Journal of West European Politics*. 2010;33(5):989-1009. <https://doi.org/10.1080/01402382.2010.486122>
 17. Saeedifard T, Nejadkarim E, Vahidniya N, Ahmady Kh. Scale of marital relationship transparency. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 2016;22(3):240-51. (Persian) <https://doi.org/10.18869/acadpub.ijpcp.22.3.240>
 18. Rogers AA, HA T, Byon J, Thomas C. Masculine gender-role adherence indicates conflict resolution patterns in heterosexual adolescent couples: A dyadic, observational study. *J Adolesc*. 2020;79:112-21. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2020.01.004> PMID:31945706
 19. Scheinkman M. The multi-level approach: A road map for couples therapy. *Fam Process*. 2008;47(2):197-213. <https://doi.org/10.1111/j.1545-5300.2008.00248.x> PMID:18605121
 20. Ballard T, Palada H, Griffin M, Neal A. An integrated approach to testing dynamic, multilevel theory: Using computational models to connect theory, model, and data. *Organ Res Meth*. 2019;1:1-34. <https://doi.org/10.1016/j.oms.2019.01.001>

[org/10.1177/1094428119881209](https://doi.org/10.1177/1094428119881209)

21. Josephson AM, Serrano A. The integration of individual therapy and family therapy in the treatment of child and adolescent psychiatric disorders. *Child Adolesc Psychiatr Clin N Am*. 2001;10(3):431-450. [https://doi.org/10.1016/S1056-4993\(18\)30039-7](https://doi.org/10.1016/S1056-4993(18)30039-7)
22. Babakhani V, Navabinejad Sh, Shafiabady A, Kiamanesh A. Effectiveness of Feldman integrated training approach on the increase of mindfulness and decrease of marital conflicts of couples. *Family Psychology*. 2016;2(2):79-92. (Persian)
23. Eydelkhani Sh, Heydari H, Davoodi H, Zare BahramAbadi M. Comparison of the effectiveness of Feldman multivariate approach and intimate skills (PAIRS) on the sexual intimacy in women have marital distress. *Journal of Psychological Science*. 2019;17(72):937-44. (Persian)
24. Eydelkhani Sh, Heydari H, Davoodi H, Zare BahramAbadi M. Comparison of Feldman multivariate approach and intimate skills (PAIRS) on the quality of marital life in women have marital distress. *MEJDS*. 2019;9(34):1-7. (Persian)
25. Cheraey L, Goudarzi M, Akbari M. Comparing the effectiveness of couple therapy with imago-therapy and Feldman's integrated approach on intimacy commitment of conflicting spouses. *Journal of Woman & Society*. 2019;10(39):239-54. (Persian)
26. Mohammadi M, Sheykh Hadi Siruii R, Garafar A, Zahrakar K, Shakarami M, Davarniya R. Effect of group cognitive behavioral couples therapy on couple burnout and divorce tendency in couples. *Armaghane Danesh*. 2017;21(11):1069-86 (Persian)
27. Rusbult CE, Johnson DJ, Morrow GD. Predicting satisfaction and commitment in adult romantic involvements: An assessment of the generalizability of the investment model. *Social Psychology*. 1986;49(1):81-9. <https://doi.org/10.2307/2786859>
28. Davoodi Z, Etemadi O, Bahrami F. Decreasing divorce among divorce-prone couple's using an intervention focused on short-term solution. *Social Welfare Journal*. 2011;11(43):121-34. (Persian)
29. Larry B, Feldman LB. Integrative individual and family therapy. eBook

Published, New York: Routledge; 2014.
<https://doi.org/10.4324/9781315803678>